

برهان شرط بندی

حسن یوسفیان

وجود خدا (و حَقَّانِيَّت آموزه‌هایی چون معاد) اگر هم قابل اثبات یقینی نباشد، یگانه‌گزینه پذیرفتنی است، چرا که برای پرهیز از زیان احتمالی الحاد - که به مراتب، بالاتر از سود یقینی آن است - چاره‌ای جز ایمان یا سلوک مؤمنانه نیست. این، شکل اجمالی برهانی است که پاسکال - به احتمال - از غزالی وام گرفته و با بهره‌گیری از حساب احتمالات آن را پرورانده است. مستند غزالی روایتی از امام علی (ع) است که نظیر آن در سخنان امام صادق و امام رضا (ع) نیز به چشم می‌خورد. این برهان امروزه با چالش‌هایی نیز روبه‌رو شده است که در این نوشتار مهم‌ترین آن‌ها بررسی می‌شود.

قال المنجّم والطبيب كلاهما
ان صح قولكما فلسف بخاسر
لايحشر الاجساد قلت اليكما
او صح قولي فالخسار عليكما^۱

این اشعار که سراینده‌اش را ابوالعلاء معری (۳۶۳-۴۴۹ق) دانسته‌اند و در دیوان منسوب به امام علی (ع) نیز به چشم می‌خورد،^۲ بیان‌گر برهانی است که در غرب به شرط‌بندی پاسکال (Pascal's wager) شهرت یافته است. شکل اجمالی برهان چنین است: وجود خدا (و حَقَّانِيَّت آموزه‌هایی چون معاد) اگر هم قابل اثبات یقینی نباشد، یگانه‌گزینه پذیرفتنی است، چرا که برای پرهیز از زیان احتمالی الحاد - که به مراتب، بالاتر از سود یقینی آن است - چاره‌ای جز ایمان یا سلوک مؤمنانه نیست. پاسکال (۱۶۲۳-۱۶۶۲م) - ریاضی‌دان، فیزیک‌دان و متکلم فرانسوی - این برهان را پرورانده و با بهره‌گیری از حساب احتمالات، خدا ناباوری را با دوراندیشی و مصلحت‌سنجی ناسازگار دیده است. بسیاری، پاسکال را در این اندیشه، متأثر از غزالی (۴۵۰-۵۰۵ق) می‌دانند و برخی، یکی از متکلمان اسپانیایی را واسطه انتقال این اندیشه از شرق اسلامی به غرب مسیحی می‌خوانند.^۳ ردپای این برهان را در برخی از آموزه‌های اسلامی نیز می‌توان یافت که اشاره به آن‌ها را آغازگر این نوشتار می‌سازیم.

۱. پیشینه برهان در منابع اسلامی

یکی از آیات قرآن کریم بیان گر آن است که اگر کافران قرآن را نپذیرند و در واقع، از طرف خدا باشد، در ناگوارترین گونه گمراهی فرومی غلتند: «قل اریتم إن کان من عند الله ثم کفرتم به من اضلّ ممّن هو فی شقاق بعید»^۴ در تفسیر ابوالفتوح رازی در این باره چنین آمده است: «این، طریقتی است از طریقت‌های جدل که آن را طریقت احتیاط گویند. خدای تعالی مناظره پیاموخت، رسولش را بر این طریقت، گفت: بگوی ای محمد این کافران را که اگر این قرآن از قبل خدای است و حق است، آن‌گه شما به او کافر شوید» [د]، در جهان از شما گمراه‌تر که باشد!»^۵ به گفته برخی از مفسران، این آیه بر قاعده عقلی «وجوب دفع ضرر محتمل» تکیه می‌زند و منکران را به تحقیق و تأمل درباره قرآن فرامی‌خواند.^۶ این تفسیر - برخلاف آنچه برخی پنداشته‌اند -^۷ نمی‌تواند تکیه‌گاهی برای برهان شرط‌بندی قرار گیرد، زیرا پیام شرط‌بندی نه جست‌وجوی علمی برای دست‌یابی به حقیقت، بلکه رویکرد عملی به سلوک مؤمنانه است.

به هر حال، امامان معصوم (ع) گاه از این شیوه بهره گرفته و در این باره سخنانی درخور توجه به یادگار گذاشته‌اند، چنان‌که امام صادق (ع) خطاب به ابن‌ابی‌العوجاء - که اعمال حج را نوعی دیوانگی و ناسازگار با منزلت انسانی می‌پنداشت -^۸ فرمود: «ان یکن الامر کما تقول - ولیس کما تقول - نجونا و نجوت، وان یکن الامر کما نقول - وهو کما نقول - نجونا و هلکت؛^۹ اگر حقیقت همان باشد که تو می‌گویی - و البته چنین نیست - هیچ‌کدام زیانی ندیده‌ایم، و اگر چنان باشد که ما می‌گوییم - و البته چنین است - ما سود کرده‌ایم و تو زیان». امام رضا (ع) نیز بر چنین استدلالی این توضیح را می‌افزاید که مؤمنان هر چند محدودیت‌هایی را پذیرفته و به انجام اعمالی چون نماز و روزه و زکات کردن نهاده‌اند، [در مقایسه با عواقب احتمالی بی‌ایمانی] زیانی ندیده‌اند.^{۱۰}

۲. غزالی و شرط‌بندی

امام محمد غزالی در برخی از آثار خود در برابر کسانی که به آموزه معاد با دیده انکار یا تردید می‌نگرند، به حدیثی از امام علی (ع) استناد می‌جوید که با روایات پیشین مضمونی یگانه دارد: «ان کان الامر علی ما زعمت تخلّصنا جمیعاً، وان کان الامر کما قلت فقد هلکت و نجوت؛^{۱۱} اگر چنان است که تو می‌گویی، هم تو رستی و هم ما؛ و اگر چنان است که ما می‌گوییم، ما

رستیم و تو افتیدی و در عذاب ابدی ماندی».^{۱۲} وی با بهره‌گیری از این حدیث در برابر شبهاتی از این دست که «دنیا نقد و آخرت نسیه است» و «خوشی‌های دنیوی یقینی‌اند و سود و زیان اخروی هنوز به اثبات نرسیده است» سخنان مبسوطی می‌آورد که گزیده آن چنین است:

هر نقدی را نمی‌توان بهتر از نسیه دانست؛ بازرگانی که دشواری‌های سفر را به جان می‌خرد و در همی نقد را به امید دست‌یابی به درهم‌هایی نسیه هزینه می‌کند، و بیماری که براساس دستورالعمل پزشک از خوردن غذاهای لذیذ دست می‌کشد، گونه‌ای از ترجیح نسیه بر نقد را به نمایش می‌گذارند. وقتی خردمندان خطر کردن در این موارد را - که میان نقد و نسیه نسبتی در حدّ ده به یک برقرار است - عاقلانه می‌یابند، چگونه نشاید که یک خوشی را وانهییم و هزاران، بلکه بی‌نهایت دریافت داریم!^{۱۳} بی‌یقینی به آخرت را نیز نمی‌توان بهانه‌ای برای بی‌ایمانی قرار داد، زیرا از یک سو، کسی دلیلی بر محال‌انگاری معاد ندارد، و از دیگر سو، زیان عقاب احتمالی قابل‌سنجش با خوشی‌های زودگذر دنیوی نیست:^{۱۴} «اگر کسی تو را گوید - در حال تشنگی - که این آب مخور که ماری دهان اندر وی کرده است، لذّت آب یقین است و زهر شک؛ چرا دست‌بداری؟ [...] گویی اگر این یقین فراگذارم، زیان این سهل بود و سلیم‌تر که اگر حدیث زهر راست گوید، هلاک باشد و بدان صبر نتوان کرد. هم چنین لذّت دنیا بیش از صد سال نیست و چون گذشت خوابی گردد، و آخرت جاوید است و با رنج [جاوید] بازی نتوان کرد: اگر دروغ است، همان انگار که روزی چند اندر دنیا نبودی، چنان‌که اندر ازل نبودی و اندر ابد نباشی؛ و اگر راست است از عذاب خداوند برستی».^{۱۵}

غزالی در جایی دیگر، درباره‌ی وجود ثواب و عقاب اخروی گزینه‌هایی چون «یقین کامل»، «گمان قوی»، «گمان ضعیف» و «وهم و تردید» را مطرح می‌سازد و با بهره‌گیری از مثال‌هایی محسوس، حکم عقل درباره‌ی همه‌ی این احتمالات را یکسان می‌شمارد: روی آوردن به علم و عمل و روی گردانی از آن دسته از لذّت‌های دنیوی که با سعادت اخروی ناسازگارند.^{۱۶} مستند عقلی دیدگاه غزالی قاعده‌ای است که خود وی چنین از آن یاد می‌کند: «انّ العظیم الهائل ان لم یکن معلوماً، فبالاحتمال يتقدّم علی الیقین المستحقر».^{۱۷}

۳. پاسکال، پُر آوازه‌ترین مدافع برهان شرط بندی

ریموندو مارتینی ۱۸ (۱۲۲۰-۱۲۸۵م)، متکلم مسیحی و خاورشناس اسپانیایی، در کتابی به نام خنجر ایمان - که آن را به دو زبان لاتینی و عبری نگاشته است - به ردّ دین اسلام و یهودیت

می‌پردازد. وی - که زبان عربی را در تونس آموخته و در آن مهارتی درخور یافته است - بخش زیادی از کتاب خود را به نقد و بررسی سخنان غزالی در آثاری چون المنقذ من الضلال، تهافت الفلاسفة، مشكاة الانوار، و میزان العمل اختصاص می‌دهد. ۱۹ کتاب خنجر ایمان که نخستین بار در سال ۱۶۵۱ در پاریس منتشر شد، ۲۰ می‌تواند یکی از راه‌های آشنایی پاسکال با دیدگاه غزالی قلمداد شود. به هر حال، اگرچه کسانی ریشه شرط‌بندی را به افلاطون نیز رسانده‌اند، ۲۱ بسیاری از اندیشمندان شرقی و غربی - به ویژه با بهره‌گیری از پژوهش‌های خاورشناس اسپانیایی، اسین پالاسیوس ۲۲ (۱۸۷۱-۱۹۴۴م) - بر پیشینه اسلامی آن تأکید می‌ورزند. ۲۳

هنگامی که با دو یا چند گزینه روبه‌رو هستیم، برای ارزیابی آن‌ها می‌توان «نتیجه یک گزینه» را (با محاسبه سود و زیان احتمالی) در «احتمال وقوع آن» ضرب کرد و سود مورد انتظار (Expected Utility) هریک را معین ساخت؛ برای مثال دو بلیط بخت‌آزمایی که سود احتمالی شان ۱۰۰ و ۱۰۰۰ واحد و احتمال بردشان به ترتیب $1/10$ و $1/100$ است، از ارزشی یکسان برخوردارند ($100 \times 1/10 = 1000 \times 1/100$). ۲۴ پاسکال با بهره‌گیری از این نکته - که در اصل، مورد استفاده قماربازان بوده است - برهان شرط‌بندی را پروراند و در اندیشه‌های پراکنده و افسوس‌ناک سال‌های زندگی خود جای ویژه‌ای به آن اختصاص داده است. سخنان پاسکال را می‌توان در نکات زیر دسته‌بندی کرد:

۱. ما به دلیل آن‌که مکان‌مند و متناهی هستیم، از هستی و چیستی موجودات متناهی آگاهیم؛ شناخت ما از نامتناهی - که همچون ما دارای امتداد است - به اصل هستی اش محدود می‌شود و درباره خداوند - جز از راه ایمان و عنایت الهی - نه راه به هستی داریم، نه چیستی. بنابراین، مسیحیان - به یمن بهره‌مندی از ایمان - نیازی به اثبات عقلانی آموزه‌های دینی خود ندارند و حتی آن را کاری سفیهانه می‌شمارند؛ هر چند برای هدایت بی‌ایمانان باید چاره‌ای اندیشید. ۲۵

۲. هستی یا نیستی خدا؟ راهی جز شرط‌بندی و گزینش یکی از این دو احتمال نیست. ما خواه ناخواه در یک شرط‌بندی شرکت جسته و در این قمار، زندگی خود را به میان گذاشته‌ایم. وقتی شرط‌بندی اجتناب‌ناپذیر است، عاقلانه آن است که ارزش گزینه‌ها را بسنجیم و پُرسودترین آن‌ها را برگزینیم. ۲۶

۳. راه احتیاط آن است که احتمال نیستی خدا را وانهمیم و هستی اش را بپذیریم، زیرا اگر در این صورت، بازی را ببریم، همه چیز را برده ایم، و اگر ببازیم، هیچ از دست نداده ایم. به بیان دیگر، آن چه در صورت بُرد به دست می آید، امری نامتناهی (زندگی جاودانی) است و آن چه با باخت از دست می رود، جز خوشی های محدود و زودگذر دنیوی نیست. ۲۷

۴. تکیه برهان بر این است که فاصله میان خیری که به دست می آید و خیری که از دست می رود، بی نهایت است. ممکن است کسانی این نکته را به چالش بخوانند و ارزش این دو خیر را به گونه ای دیگر انگارند: به خطر کردن خود یقین داریم و اطمینانی به سود بردن نداریم؛ فاصله میان این شک و یقین بی نهایت است و کفه ترازو را به نفع خدا ناباوران سنگین می سازد. پاسخ آن است که اولاً، همه خردمندان به امید دست یابی به سودی نامسلم و پُرازش، امری یقینی و کم بها را به خطر می افکنند. ثانیاً، آن چه با نامسلم بودن بُرد فاصله ای نامتناهی دارد، مسلم بودن باخت است، نه یقینی بودن خطر. ۲۸ ثالثاً، ایمان به خدا با هیچ زیانی همراه نیست و حتی در این دنیا نیز صرفه با خدا باوری است. مؤمنان، گرچه لذت هایی زیان مند را از دست می دهند، به خوشی هایی بالاتر دست می یابند و در زندگی به انسان هایی فروتن و درست کردار تبدیل می شوند. ۲۹

۵. اگر همچنان راهی به سوی خدا نمی یابید، ریشه مشکل را در شهوات خود بجوید، زیرا عقل گزینه ای جز ایمان پیش روی تان نمی نهد. به کسانی بنگرید که زمانی با شما هم درد بودند و اکنون همه چیز خود را به پای این شرط بندی گذاشته اند. آنان به گونه ای رفتار می کنند که گویی ایمان دارند؛ آب مقدس را می نوشند و آیین عشای ربّانی را برپا می دارند. این سلوک مؤمنانه، به صورتی کاملاً طبیعی، شما را به ایمان می رساند. ۳۰

پاسکال با تعابیر گوناگون بر این نکته تأکید می ورزد که در این شرط بندی امکان بُرد و باخت مساوی است، همچون سکه ای که به هوا پرتاب شده و روشن نیست کدام سو به زمین می آید. با این همه، اگر احتمال باخت (عدم وجود خدا) قوی تر نیز باشد (تا وقتی که احتمال برد به صفر نرسد)، همچنان می توان از زبان پاسکال - از این برهان جانب داری کرد. نمودار زیر مقصود را روشن تر می سازد: ۳۱

گزینش خدا باوری	
نتیجهٔ برد: ∞	احتمال برد: $\frac{1}{n+1}$
نتیجهٔ باخت: 0	احتمال باخت: $\frac{n}{n+1}$
سود مورد انتظار: $\left(\frac{1}{n+1} \times \infty\right) + \left(\frac{n}{n+1} \times 0\right) = \frac{\infty}{n+1} + 0 = \frac{\infty}{n+1}$	

گزینش خدا نایاباوری	
نتیجهٔ برد: 1	احتمال برد: $\frac{n}{n+1}$
نتیجهٔ باخت: $*1$	احتمال باخت: $\frac{1}{n+1}$
سود مورد انتظار: $\left(\frac{n}{n+1} \times 1\right) + \left(\frac{1}{n+1} \times 1\right) = \frac{n}{n+1} + \frac{1}{n+1} = 1$	

* یادآوری: به نظر می‌رسد که نتیجهٔ باخت را باید « $-\infty$ » ارزیابی نمود.

نکتهٔ دیگر آن که تأکید پاسکال بر اجتناب ناپذیری شرط بندی با واکنش های فراوانی روبه‌رو شده است. ۳۲ برخی بر این باورند که پاسکال نکتهٔ یاد شده را تبیین نکرده و سخن خود را بر این پیش فرض دینی بنا نهاده است که خداوند در آخرت با لادری گرایان همچون ملحدان رفتار خواهد کرد. ۳۳ گروهی دیگر با بهره‌گیری از اشاره‌های پاسکال، تمثیل‌هایی از این دست ارائه داده‌اند: کشتی زندگی بر دریای زمان شناور است و دیر یا زود مسافران را در ساحلی - که ادعا می‌شود خانهٔ حقیقی آدمی است - پیاده خواهد کرد. هیچ‌یک از مسافران را توان آن نیست که

کشتی را از حرکت باز دارد، اما هرکدام می‌تواند با رفتار شایسته (ایمان به خداوند) جایگاهی نیکو در ساحل خوشبختی فراهم آورد.^{۳۴} این تمثیل بیان‌گر آن است که زندگی دنیا را نمی‌توان به مسابقه‌ای چون اسب‌سواری همانند کرد که تماشاگران در شرط‌بستن و نبستن آزادند. زندگی هر یک از ما که -ناخواسته- در یک بازی سرنوشت‌ساز به کار گرفته شده، بی‌تردید، از میان می‌رود. پیروزی حقیقی از آن کسی است که با اتخاذ تدابیری، در برابر زندگی از دست رفته، چند (یا بی‌نهایت) زندگی دیگر را به دست آورد و دست کم، زبانی جبران‌ناپذیر نبیند.

۴. چالش‌های شرط‌بندی

برهان شرط‌بندی -به‌ویژه با تقریری که پاسکال از آن ارائه می‌دهد- با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو شده است که اینک به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم:

۴.۱. غیراختیاری بودن ایمان

آیا صرف این که منافع احتمالی یکی از دو گزینه بیش از دیگری است، می‌تواند اعتقاد به درستی و حقیقت آن را در جان آدمی بنشانند؟ آیا ایمان نیز همچون عمل اختیار را برمی‌تابد؟^{۳۵} برخی بر این باورند که با فراهم آمدن چهار شرط می‌توان به این پرسش پاسخ مثبت داد. الف) درستی یا نادرستی گزاره مورد نظر سنجش تجربی و عقلی نپذیرد. بر این اساس، نمی‌توان شرط‌بندی پاسکال را با مثال‌هایی از این دست به چالش خواند: یک ثروت‌مند غیر متعارف -که از دستگاه دروغ‌سنج پیش‌رفته‌ای بهره‌مند است- مبلغی هنگفت به کسی می‌پردازد که به وجود کرگدنی شش‌متری با خال‌های صورتی‌رنگ در کتابخانه دانشگاه باور کند. ب) برای باور به آن گزاره، گرایش قوی داشته باشیم؛ برای مثال از آن‌جا که هیچ‌کس سرنوشتی دردناک را نمی‌پسندد، نمی‌تواند در برابر دریافت پاداشی هرچند هنگفت، این اعتقاد را در خود پدید آورد.

ج) به‌خوبی از این حقیقت آگاه باشیم که پشتوانه این اعتقاد احتیاط و دوراندیشی است، از این رو، آن‌چه ما را از ایمان باز می‌دارد جز شهوات و عادت و احساسات نیست. د) چنان رفتار کنیم که گویی ایمان داریم. این سلوک مؤمنانه که بیش از هر چیز در حضور در مراسم دینی تبلور می‌یابد، گامی آغازین است که آدمی را به ایمان حقیقی می‌کشاند. بررسی

نحوه پیدایش چنین ایمانی بیش از آن که مسئله‌ای فلسفی باشد، پدیده‌ای روان‌شناختی است. ۳۶ افزون بر این، از دیدگاه پاسکال ایمان نه ره‌آورد تلاش بشری، که موهبتی الهی است و کسانی که صادقانه در این راه گام می‌گذارند، شایسته این عطای خداوندی اند. ۳۷

گفتنی است - برخلاف آن‌چه در شرط اول گذشت - که بسیاری از اندیشمندان کارآیی شرط‌بندی را به آموزه‌های فراعقلی منحصر نمی‌سازند و سخنان پاسکال در پذیرش اثبات‌ناپذیری وجود خداوند را نوعی بحث جدلی می‌دانند.

۴.۲. ناسازگاری با اخلاق

جی. ال. مکی (۱۹۱۷-۱۹۸۱م)، فیلسوف معاصر انگلیسی، ایمان از راه شرط‌بندی را نوعی خودفریبی و بی‌اعتنایی به عقل می‌خواند و آن را با اخلاق اعتقادورزی ناسازگار می‌شمارد، چراکه بر این اساس، آدمی خود را مؤمن به چیزی می‌نمایاند که اعتقاد واقعی بدان ندارد. ۳۸ این اشکال را می‌توان بدین گونه پاسخ گفت که بنا به فرض، عقل راهی

برای اثبات درستی یا نادرستی گزاره‌ای که بر سر آن شرط می‌بندیم، ندارد و چاره‌ای جز مصلحت‌سنجی و دوراندیشی پیش روی خود نمی‌بیند. ۳۹

با این حال، پرسش مهم‌تر آن است که آیا اساساً اخلاق با مصلحت‌اندیشی سازگار است. کسانی چون ایمانوئل کانت، (۱۷۲۴-۱۸۰۴م) به این پرسش پاسخ منفی می‌دهند و ارزش مثبت اخلاقی را شایسته عملی می‌دانند که به انگیزه‌آدای تکلیف انجام گیرد. ۴۰ با این همه، ظاهراً حتی

از دیدگاه کانت نیز نمی‌توان اعمالی را که - در واقع - مطابق تکلیف‌اند، اما به انگیزه‌ای غیر از ادای وظیفه تحقق پذیرفته‌اند، ضد اخلاقی شمرد و برای مثال ارزش اخلاقی «خودکشی» را با «حفظ حیات از روی میل شخصی و مصلحت‌سنجی» برابر دانست.^{۴۱}

۴.۳. بی‌ارزش بودن ایمان مصلحت‌اندیشانه

اعتراض دیگر به شرط‌بندی پاسکال آن است که ایمان مصلحت‌اندیشانه تعبیری پارادوکسیکال (متنافی‌الاجزا) است و استحقاقی برای پاداش به بار نمی‌آورد. به تعبیر ویلیام جیمز، «ایمانی که از حساب‌گری سرچشمه بگیرد، سرشت اصلی خود را ندارد و اگر ما به جای خدا بودیم، احتمالاً از پاداش ندادن به چنین مؤمنانی لذتی بسیار می‌بردیم».^{۴۲} برخی دیگر حتی این احتمال را پیش کشیده‌اند که شاید خداوند چنین کسانی را که به اصول عقلانی پایبند نیستند، به عذاب جاودانی گرفتار سازد.^{۴۳}

این اشکال را چنین پاسخ گفته‌اند که شرط‌بندی، یگانه یا بهترین راه برای ایمان نیست؛ گزینه‌ای است آرامش‌بخش برای کسانی که با بحث و تحقیق ره به جایی نبرده‌اند و میان وادی کفر و ایمان سرگردانند. امید کسانی چون پاسکال آن است که این سلوک مؤمنانه به ایمان حقیقی بینجامد و مصلحت‌اندیشی جای خود را به حقیقت‌یابی دهد. از سوی دیگر، از کجا می‌توان اطمینان داشت که خداوند به چنین دین‌داری حساب‌گرانه، به‌ویژه اگر گامی به سوی ایمان حقیقی باشد، پاداش نمی‌دهد؟^{۴۴}

۴.۴. نادیده گرفتن احتمالات دیگر

یکی از مهم‌ترین نقدهایی که برهان شرط‌بندی را به چالش می‌خواند، آن است که پاسکال احتمال وجود خدایانی جز خدای مسیحی را نادیده می‌گیرد؛ برای مثال خدایی که برگزارکنندگان آیین عشای ربانی را به آتش دوزخ می‌سوزاند.^{۴۵} به گفته برخی از نویسندگان غربی، جای بسی شگفتی است که پاسکال دست‌کم «اسلام» را به عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی در نظر نمی‌گیرد، در حالی که برهان شرط‌بندی از اسلام به مسیحیت راه یافته است.^{۴۶}

در پاسخ این اشکال می‌توان گفت که مقصود کسانی که خدانا‌باوران را به شرط‌بندی فرامی‌خوانند، آن است که آنان را از وادی الحاد به سرای ایمان بکشانند و گزینش دینی خاص

مسئله‌ای است که در مرحله بعدی رخ می‌نمایاند و راهکاری دیگر می‌طلبد.

این اشکال صورت‌بندی‌های دیگری نیز دارد که پاسخ‌گویی به آن‌ها با دشواری بیش‌تری همراه است: شاید در کنار خدای مسیحی، خدای دیگری باشد که مؤمنان به خدای مسیحی را به عذابی ابدی گرفتار می‌سازد.^{۴۷} هم‌چنین ممکن است سعادت و شقاوت هرکس را از پیش معین ساخته‌اند و اعمال این جهانی تأثیری بر چگونگی حیات اخروی به‌جا نمی‌گذارد. این احتمال را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که -چنان‌که اشاره شد- خداوند شکاکان یا ملحدان صادقی را که همگام با دلایل عقلی حرکت می‌کنند، بر دورویان سوداگر ترجیح دهد.^{۴۸}

یکی از پاسخ‌های طرفداران شرط‌بندی به اشکالاتی از این دست آن است که در چنین برهانی، نه همه‌گزینه‌های منطقی‌ممکن، بلکه محتمل‌ترین آن‌ها را باید در نظر آورد،^{۴۹} چنان‌که هنگام پرتاب سکه، احتمالاتی چون عمودی به زمین آمدن، در هوا معلق ماندن و ناپدید شدن را نادیده می‌گیریم.^{۵۰}

پی‌نوشت‌ها:

۱. ابوالعلاء معری، لزوم مالایزم، شرح ندیم عدی، الطبعة الثانية، دارطلاس، دمشق، ۱۹۸۸م، ج ۳، ص ۱۴۴۷؛ ر.ک: محمد غزالی، الاربعین فی اصول الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۹ق، ص ۱۱۴؛ همو، احیاء علوم الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۶۱.
۲. ر.ک: دیوان امام علی(ع) ترجمه منظوم و منثور حسین میبیدی و مصطفی زمانی، پیام اسلام، قم، ۱۳۶۲ش، ص ۳۹۶؛ محمد بن طلحة الشافعی، مطالب السؤؤل فی مناقب آل الرسول، تحقیق ماجد احمد الطعیه، مؤسسه ام‌القری، بیروت، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۵۶؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، الطبعة الثانية، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۸۷.
۳. عبدالحسین زرین کوب، فرار از مدرسه، درباره زندگی و اندیشه ابوحامد غزالی، چاپ سوم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴ش، ص ۱۹۴.
۴. فصلت(۴۱) آیه ۵۲.
۵. حسین بن علی الخزاعی النیشابوری، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، (تفسیر ابوالفتوح الرازی)، تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۶۶ش، ج ۱۷، ص ۹۰.

۶. محمد فخرالدين الرازى، التفسير الكبير، دارالكتب العلميه، بيروت، ۱۴۱۱ق، ج ۲۷، ص ۱۱۹؛ محمدحسين طباطبائي، الميزان، الطبعة الثانية، مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان، قم، ۱۳۹۳ق، ج ۱۷، ص ۴۰۳.
۷. بهاءالدين خرمشاهي، سبى بى سلوك، انتشارات معين، تهران، ۱۳۷۰ش، ص ۲۲۹-۲۳۰.
۸. محمدبن يعقوب كليني، الكافي، تعليق على اكبر الغفارى، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۷۴ و ۷۸ (ك التوحيد، ب حدوث العالم).
۹. همان، ص ۷۸ و ر. ك: ص ۷۵.
۱۰. همان، ص ۷۸.
۱۱. محمد غزالي، ميزان العمل، تعليق على بوملحم، دار مكتبة الهلال، بيروت، ۲۰۰۰م، ص ۲۶؛ ر. ك: همو، احياء علوم الدين، ج ۳، ص ۴۰۲ و ج ۴، ص ۶۱.
۱۲. محمد غزالي، كيميائى سعادت، با مقدمه محمد عباسى، انتشارات طلوع و زرين، تهران، ۱۳۶۱ش، ص ۱۲۷ (عنوان چهارم، فصل پانزدهم) و ر. ك: ص ۵۹۳ (ركن سوم، اصل دهم).
۱۳. محمد غزالي، احياء علوم الدين، ج ۳، ص ۱۰۴-۴۰۲.
۱۴. همان، ج ۴، ص ۶۱.
۱۵. همو، كيميائى سعادت، ص ۵۹۳ و ص ۱۲۷؛ همو، الاربعين فى اصول الدين، ص ۱۱۳.
۱۶. ر. ك: همو، ميزان العمل، ص ۲۵-۲۶.
۱۷. همان، ص ۲۷.
18. Raymonodo Martini
۱۹. عبدالرحمان بدوى، موسوعة المستشرقين، الطبعة الثالثة، دارالعلم للملايين، بيروت، ۱۹۹۳م، ص ۳۰۹-۳۱۰.
20. *Encyclopedia Judaica*, Keter Publishing House, Jerusalem (Israel), 1996, V.11, p.1066.
21. see: Miguel De Unamuno, *Tragic sense of life*, trans. by Carwford Flicht, Dover Publications, New York, 1954, p.45.
22. Asin Palacios

- ۲۳ . ر . ک : حنا الفاخوري ، خليل الجر ، تاريخ الفلسفة العربية ، الطبعة الثالثة ، دارالجيل ، بيروت ، ۱۹۹۳ م ، ج ۲ ، ص ۳۲۹ ؛ يوسف القرضاوى ، الامام الغزالي بين مادحيه و ناقديه ، مؤسسة الرساله ، بيروت ، ۱۴۲۱ ق ، ص ۸۲-۸۳ ؛ عبدالرحمان البدوى ، دور العرب فى تكوين الفكر الاوروبى ، الطبعة الثالثة ، دارالقلم ، بيروت ، ۱۹۷۹ م ، ص ۲۷-۲۸ ؛
- Antony Flew (ed), *A Dictionary of Philosophy*, Pan Book, London, 1984 (1979), p.263.
24. see: Jeffrey Jordan, "Pascal's wager and the problem of Infinite Utilities, *Faith and Philosophy*, V.10, No.1, January 1993, p.50.
25. Blaise Pascal, *Pensées*, trans. by Krailshiemer, Penguin Books, England, 1966, p.149. (No.418)
26. Ibid, p.153.
27. Ibid, p.151.
28. Ibid, p.151-152.
29. Ibid, p.153.
30. Ibid, p.152.
31. see: J. L. Mackie, *The Miracle of Theism*, Clarendon Press, Oxford, 1982, p.201.
32. see: Frederick Copleston, *A History of Philosophy*, Doubleday, New York, 1985 (1960) V.4, p.170; Hans Küng, *Does God Exist?* trans. by Edward Quinn, Doubleday, New York, 1980, p.61; Terence Penelbum, *Religion and Rationality*, Random House, New York, 1971, p.213.
33. Richard M. Gale, *On the Nature and Existence of God*, Cambridge University Press, Cambridge, 1991, p.346.
34. Peter Kreeft, *Christianity for modern pagans*, Ignatias Press, San Francisco, 1993, p.299.
35. J. L. Mackie, *The Miracle of Theism*, p.201.

36. Stephen T. Davis, *God, Reason & Theistic Proofs*, p.160-162.
37. Stephen T. Davis, "Pascal on self-caused Belief", *Religious Studies*. V.2 No.1, March 1991, p.31-32.
38. J. L. Mackie, *Ibid*, p.202.
39. Stephen T. Davis, *God, Reason & Theistic Proofs*, p.162.
40. Immanuel Kant, *Groundwork of the Metaphysic of Morals*, trans. by H. J. Paton, p.65.
41. Fredrick Copleston, *A History of Philosophy*, V.6, p.316.
42. William James, "The will to Believe", Louis Pojaman (ed). *Philosophy of Religion*, p.389.
43. Hugh Rice, *God and Goodness*, p.133.
44. Stephen T. Davis, *God, Reason & Theistic*, p.164; Richard M. Gale, *on the Nature and Existence of God*, p.348.
45. Richard Swinburne, *Faith and Reason*, Oxford University Press, Oxford, 1981, p.94; Terence Penelhum, *Religion and Rationality*, 1971, p.215.
46. Antony Flew (ed), *A Dictionary of Philosophy*, p.263.
47. Hugh Rice, *God and Goodness*, Oxford University Press, Oxford, 2000, p.133.
48. J. L. Mackie, *The Miracle of Theism*, Clarendon Press, Oxford, 1982, p.203.
49. Stephen T. Davis, *God, Reason & Theistic Proofs*, Eerdmans Publishing Company, Michigan, 1997, p.165.
50. Jeffrey Jorden, "Pascal's wager and the problem of Infinite Utilities, *Faith and Philosophy*, V.10, No.1, January 1993.